

بررسی فقهی شبیه سازی درمانی

شبیه سازی درمانی را در دو محور اصلی باید کاوید: موضوع شناسی و حکم شناسی.

محور اول: موضوع شناسی شبیه سازی درمانی

شبیه سازی درمانی فرایندی است که در چند مرحله به وقوع می پیوندد: اول، انتقال هسته سلولی؛ دوم، تحریک تخمک حاوی هسته سلول جسمی؛ سوم، بیرون آوردن توده سلولی درون رویان.

مرحله اول: انتقال هسته سلولی: در این مرحله سلول جسمی (somatic) و نه جنسی از یک فرد گرفته می شود، سپس هسته حاوی کروموزوم های این سلول، از آن جدا و درون تخمکی که هسته آن قبلاً جدا شده، قرار داده می شود. مجموع هسته سلول و غشای تخمک یک زیگوت را تشکیل می دهد.

مرحله دوم: تحریک تخمک حاوی هسته سلول جسمی: پس از انتقال هسته سلولی، کار تحریک تخمک حاوی این هسته صورت می گیرد. این تحریک گاه مؤثر می افتد و سلول شروع به تقسیم شدن می کند. این انقسام سلولی - در صورت وقوع - منتهی به پیدایش رویان (بلاستوسیست) می شود. رویان جنینی در مرحله قبل از لانه گزینی قرار می گیرد. بلاستوسیست، شکل یک کره توخالی را دارد که گاه از آن به یک توپ پر از سلول تعبیر می شود. این جنین دربردارنده ۲۰۰ تا ۲۵۰ سلول است.

هنگامی که رویان شکل گرفت، سه عمل در مورد آن می توان انجام داد:

الف) می توان آن را رها کرد تا از بین رود.

ب) می توان در رحم یک زن قرار داد. در این صورت، در شرایط رشد قرار می گیرد و در صورت پیمودن مسیر رشد - که گاه اتفاق می افتد - به انسانی کاملاً شبیه به انسان صاحب سلول تبدیل می گردد. انسان به واقع چیزی جز وضعیت تکامل یافته همان سلول های موجود در بلاستوسیست نیست که در صورت قرار دادن آن در رحم این تکامل صورت می گیرد.

ج) می توان از آن برای به دست آوردن سلول های بنیادی بهره گرفت. عملیات این بهره برداری، همان مرحله سوم شبیه سازی درمانی را تشکیل می دهد که ذکر خواهد شد.

مرحله سوم: بیرون آوردن توده سلولی داخلی رویان: برای تهیه سلول های بنیادی، در روز هفتم با روشی خاص توده سلولی داخلی خارج می شود. سپس با جداسازی این سلول ها و قرار دادن آنها در یک وضعیت غذایی، به محیط کشت انتقال می یابند.

محور دوم: حکم شناسی شبیه سازی درمانی

اهمیت بررسی فقهی شبیه سازی درمانی به دلیل برخورداری این تکنیک از ویژگی هایی است که نقش مهم و منحصر به فرد را در درمان بیماری های صعب العلاج و کشنده به آن بخشیده است. با وجود داشتن چنین نقش حیرت آوری - که هر روز ابعاد آن در اثر پیشرفت مطالعات علمی آشکارتر می گردد - ضروری می نماید فقه در قبال مشکل مطرح شده در مورد آن اظهار نظر کند؛ مشکلی که در ادبیات طیف نسبتاً گسترده مخالفان آن با عنوان از بین رفتن منزلت اخلاقی و حق انسانی جنینی که با اتمام این تکنیک قربانی می گردد، یاد شده است. توضیح بیشتر را در زیر پی می گیریم.

باید دید کدام یک از سه مرحله فرایند شبیه سازی، درمانی مجاز است و کدام یک غیر مجاز؟ طبعاً اگر حتی یک مرحله از این مراحل غیر مجاز شناخته شود، نمی توان به جواز شبیه سازی درمانی - که از مجموع این مراحل تشکیل می شود - فتوا داد. به تعبیر دیگر، جواز شبیه سازی درمانی منوط به جایز بودن تمام این مراحل است. اینک به بررسی سه مرحله پیش گفته می پردازیم:

مرحله نخست که استفاده از سلول تن یک انسان است، به خودی خود هیچ منعی ندارد. اگر مشکلی هست، در مرحله های بعد است که به این مرحله ربطی ندارد.

در مرحله دوم عملیات بر روی سلول و رساندن آن به مرحله ای است که سلول، به جنین ۶ یا ۷ روزه ای تبدیل می شود. در این عملیات باید سه کار انجام گیرد: ۱. بیرون آوردن هسته سلول؛ ۲. نهادن آن در داخل یک تخمک که هسته آن را خارج کرده اند؛ ۳. وادارسازی تخمک به انقسام پذیری سلولی از راه تحریک آن با یک جریان الکتریکی و یا شیمیایی.

این نوع دخل و تصرف ها نیز که در این مرحله انجام می گیرد، به خودی خود با منعی مواجه نیست. تنها یک اشکال وجود دارد و آن این که ممکن است به عنوان مقدمه حرام، حرام باشد. البته این مقدمیت هنگامی است که بدانیم در صورت دست زدن به این عملیات، وضعیتی پیش خواهد آمد که با از دست رفتن کنترل، شرایط سوءاستفاده از فرصت و موقعیت ایجاد شده شکل می گیرد و اقدام به تبدیل کردن جنین به انسان، روند اجتناب ناپذیر به خود می گیرد. در این صورت، اگر شبیه سازی انسانی را - خواه به عنوان اولی یا به عنوان ثانوی - عملی حرام بدانیم، انجام عملیات یاد شده از باب مقدمه حرام، حرام می گردد.

اما مرحله سوم، اخراج توده سلولی نهفته در داخل رویان است که برای کاشت و دست یابی به سلول های بنیادی انجام می گیرد. مشکلی که باعث برانگیخته شدن اختلافی جدی هم در مسیحیت و هم در اسلام شده، متوجه همین مرحله است. مشکل این است که اخراج توده سلولی، به از بین رفتن و قتل جنین می انجامد و استعداد آن را برای انسان شدن از بین می برد.

برای ارائه حکم شبیه سازی درمانی باید آن را از سه منظر بررسی کرد:

اول: بررسی حکم تحت عنوان (قتل جنین)؛

دوم: بررسی حکم تحت عنوان (حرمت از بین بردن جنین از باب توسعه در موضوع قتل از سوی شارع و نه از باب قتل عرفی)؛

سوم: بررسی حکم تحت عنوان (صرف منع از نابودسازی جنین)، نه منع از باب قتل.

طبیعتاً میان این سه مقوله، تفاوت وجود دارد. مقوله حرمت از باب قتل، وضع سخت تری نسبت به مقوله حرمت از باب دوم و سوم دارد، و مقوله حرمت از باب دوم نیز وضع دشوارتری نسبت به مقوله حرمت از باب سوم دارد. در صورت سوم، قاعده اهم و مهم را می توان به صورت سهل تر و بیشتری جاری کرد؛ یعنی بر پایه این نظریه، می توان گفت: اگرچه نابودسازی رویان ممنوع است، ولی هرگاه انسان با مرضی سخت و گاه منتهی به مرگ مواجه شود، می توان با توجه به اهمیت بیشتر جان این انسان، نابودی آن رویان را - که به دست یابی به سلول بنیادی برای معالجه بیمار یاد شده می انجامد - جایز دانست.

اول: بررسی حکم حرمت نابودسازی رویان از باب قتل

در این جا باید به این پرسش پاسخ داد: عنوان قتل - که به لحاظ شرعی حرام است - در چه سطحی بر از بین بردن جنین صدق می کند؟ در پاسخ باید گفت: چند فرض وجود دارد:

۱. عنوان قتل صرفاً بر نابودی جنینی که در آن روح دمیده شده، صادق است؛

۲. عنوان قتل افزون بر کشتن جنین ذی روح، بر از بین بردن جنین دارای اعضا و جوارح هرچند قبل از ولوج روح نیز صادق است؛

۳. عنوان قتل حتی بر جنین دارای اعضا، هرچند به صورت ناقص نیز صدق می کند؛

۴. قتل حتی بر از بین بردن نطفه استقرار یافته در رحم و لانه گزیده در دیواره آن نیز صدق می کند؛

۵. عنوان قتل بر فراتر از نابودسازی نطفه مستقر صادق است و بر نابودسازی نطفه منعقد شده، ولی هنوز استقرار نیافته هم صدق می کند. جنین استقرار نیافته، مرحله قبل از لانه گزینی است که به صورتی رها در رحم وجود دارد.

عمل اخراج توده سلولی از رویان (که به از بین رفتن آن منتهی می شود) در صورتی قتل به شمار می آید که صدق عنوان قتل بر از بین بردن نطفه غیر مستقر را بپذیریم؛ چه آن که رویان در شبیه سازی درمانی یک جنین هفت روزه است که حکم نطفه غیر مستقر را دارد و هنوز به دیوار رحم نچسبیده است.

۶. عنوان قتل حتی بر نابودسازی نطفه انعقاد نیافته نیز صادق است. نادرستی این فرض روشن است؛ زیرا به صورت قطع، عرف نابودی نطفه منعقد نشده را قتل به حساب نمی آورد. در نگاه های فقهی نیز ردپایی از صدق این عنوان بر نابودسازی نطفه غیر منعقد مشاهده نمی شود؛ بلکه برعکس، فقها به جواز عزل (بیرون ریختن منی) فتوا داده اند. اگر عنوان قتل بر نابودسازی منی صادق بود، چنین فتوایی شکل نمی گرفت.

با نادرست انگاشتن و کنار نهادن فرض ششم، پنج فرض پیش روی باقی می ماند که باید دید بحث از حرمت نابودی رویان هفت روزه در صورت قبول کدام یک امکان پذیر است؟ پاسخ این است که بحث از حرمت نابودی رویان تنها در صورت قبول فرض پنجم امکان پذیر است. البته سخن این نیست که قبول حرمت نابودسازی رویان هفت روزه، لازمه حتمی و اجتناب ناپذیر قبول فرض پنجم است؛ بلکه مدعا این است که در صورت پذیرش فرض پنجم، بحث از حرمت رویان یاد شده، بحثی قابل طرح خواهد بود. در عین حال، ممکن است حتی فرض یاد شده را بپذیریم، ولی باز هم قائل به حرمت رویان مورد بحث نباشیم. منوط بودن امکان بحث از رویان بر فرض یاد شده، از آن جهت است که رویان در شبیه سازی درمانی وضعیتی مشابه با نطفه منعقدشده غیرمستقر - یعنی نطفه ای که هنوز به دیواره رحم نچسبیده است - دارد.

بررسی فرض پنجم

برای پذیرش و یا عدم پذیرش فرض پنجم، باید دید آیا دلیلی بر صدق عنوان قتل بر نابودسازی نطفه غیرمستقر وجود دارد یا نه؟ روایتی در دست است که شاید بتوان از آن صدق عنوان قتل را بر نطفه غیر مستقر به دست آورد. این روایت، معتبره اسحاق است که صدوق آن را در کتاب (من لایحضره الفقیه) ذکر می کند. در این روایت از امام پرسش می شود آیا زنی که خوف باردار شدن دارد، می تواند برای از بین بردن آنچه در شکم خود دارد، دارو استفاده کند؟ امام (ع) این عمل را تجویز نمی کند. سائل می گوید: به امام گفتم: آن نطفه است! امام پاسخ می دهد: اولین چیزی که خلق می شود، نطفه است. ۱

استدلال به این روایت برای تحریم نابودی رویان از باب قتل، با تشکیل دو مقدمه انجام می گیرد، به این صورت:

اول: از روایت به دست می آید از بین بردن نطفه منعقد شده ولی غیرمستقر، قتل (با مفهوم عرفی آن) است.

دوم: از بین بردن رویان وضعیتی همسان و همانند با نطفه غیرمستقر دارد.

نتیجه این که: از بین بردن رویان در شبیه سازی درمانی قتل محسوب می شود و از این جهت حرام است.

این استدلال چند اشکال دارد:

اشکال اول: از کجا معلوم است که حدیث به نابودسازی نطفه مستقر ناظر نیست؟ در این صورت از آن جا که رویان در شبیه سازی درمانی در مرحله قبل از مرحله نطفه مستقر قرار دارد، نمی توان با این روایت از بین بردن آن را قتل دانست.

این اشکال وارد نیست؛ چون در این حدیث با توجه به یک قرینه، از نطفه غیرمستقر سؤال شده و آن این است که سائل می پرسد: زن از آن جهت که خوف باردار شدن دارد (تخاف الحبل) دارو استفاده می کند. معلوم می شود که هنوز نطفه، استقرار نیافته است؛ زیرا در صورت استقرار نطفه، بارداری صدق می کند و بر نطفه عنوان (حمل) اطلاق می گردد؛ در نتیجه، تعبیر یاد شده قابل توجیه نیست.

اشکال دوم: با توجه به این که در حدیث سخنی از قتل به میان نیامده است، نمی توان منع از نابودسازی نطفه غیرمستقر را از باب منع از حیث قتل به شمار آورد؛ به ویژه در روایت به قرینه ای برمی خوریم که حکایت می کند عرف آن زمان از بین بردن نطفه را به عنوان قتل نمی دانسته است. قرینه این است: هنگامی که امام (ع) خوردن دارو را حتی در نطفه بسته شده منع می کند، سائل با تعجب می پرسد: (إنما هو نطفة!) اگر واقعاً عرف آن زمان به از بین بردن (نطفه در مراحل اولیه منعقد شدن) به چشم قتل نگاه می کرده، پیدایش چنین سؤالی آن هم با تعجب در ذهن مخاطب توجیه ناپذیر است.

این اشکال به نظر درست می آید. از این رو، نمی توان برای اثبات فرض پنجم به این حدیث تمسک نمود. البته اگر این حدیث را دال بر حرمت نابودسازی نطفه غیرمستقر از باب حیثیتی غیر از قتل بدانیم، بحث از حرمت نابود کردن رویان در شبیه سازی درمانی از باب غیر قتل قابلیت طرح پیدا می کند؛ ولی این بحث دیگر به محور دوم (منع از نابودسازی جنین) مربوط می گردد که خواهد آمد. ۲

دوم: بررسی حرمت نابودسازی رویان از باب توسعه در موضوع قتل

نتیجه بحث در محور اول نشان می دهد که نمی توان با تمسک به ادله حرمت قتل، شبیه سازی درمانی را حرام شمرد، ولی هنوز بحث تمام نشده است؛ باید دید آیا می توان به ادله ای دست یافت که شارع در موردی خاص آن را حرام کرده باشد، آن هم نه از باب قتل، بلکه از باب (توسعه تبعیدی در موضوع قتل). در این صورت،

باید دید آیا از بین بردن رویان، زیر عنوان آن مورد جای می‌گیرد یا نه؟ و اگر جای نمی‌گیرد، آیا با تنقیح مناط هم قتل توسعه یافته تعبدی را می‌توان به مورد رویان سرایت داد؟

روایتی صحیح در دست است که به (توسعه تعبدی در موضوع قتل) پرداخته است. این روایت درباره زنی است که به منظور سقط جنین خود دارویی را استعمال کرده است. امام در پاسخ، فروزی از جنین را که در آنها هنوز ولوج روح نیافته، مطرح می‌سازد و برای هر یک دیه ای خاص تعیین می‌کند. سپس در جواب این پرسش که (فهی لآثر من ولدها من دیته؟ آیا این زن از فرزند خود (یعنی جنینی را که آن سقط کرده) ارث می‌برد؟) می‌فرماید: (لا لآنها قتلته؛ نه، زیرا او را کشته است).^۳ در این روایت، تعبیر قتل به کار رفته است.

حقیقت این است که حتی با قبول توسعه مفهوم قتل، نمی‌توان حرمت نابودسازی رویان را ثابت کرد؛ زیرا این توسعه در مورد جنین دارای اندام است و سرایت آن به رویان که قبل از مرحله لانه‌گزینی قرار دارد، قابل توجه نیست. الغای خصوصیت نیز نمی‌توان کرد. خصوصیت دارای اندام بودن و خصوصیت در رحم بودن را چگونه می‌توان کنار نهاد؟! دست کم احتمال دخالت این خصوصیات در حکم وجود دارد.

سوم: بررسی حرمت نابودسازی رویان از باب قتل با یک مفهوم مخترع شرعی

مقصود این است که شارع برای قتل، یک مفهوم ویژه اختراعی با گستره ای فراخ داشته که فراتر از قتل جنین ذی روح است و جنین غیر ذی روح و حتی بالاتر نطفه منعقد را هم در بر می‌گرفته است.

تفاوت میان (وجود مفهوم اختراعی شرعی برای قتل) با (توسعه تعبدی قتل) نیز روشن است. دومی مفهوم عرفی قتل و مرجعیت عرف برای تعیین مفهوم این واژه را نفی نمی‌کند و تنها در موردی خاص دست به توسعه می‌زند و از باب تعبد، احکام موضوع قتل و یا پاره ای از آن احکام را در آن مورد جاری می‌داند؛ در حالی که اگر به ثبوت مفهوم اختراعی شرعی قائل شویم، به آن معناست که شارع به صورت کلی و برای همه موارد (و نه فقط برای موردی خاص) مفهوم عرفی را کنار می‌گذارد و مفهومی اختراعی را جایگزین آن می‌کند.

این فرض مردود است؛ زیرا بسیار بعید می‌نماید که شارع مفهوم ویژه ای برای قتل ارائه کرده باشد و اصل، عدم عدول از مفهوم عرفی است؛ به ویژه عدول از مفهومی برخوردار از وضعیتی فرازمانی و فرامکانی؛ چه آن که مفهوم رایج قتل اختصاص به یک عرف و یک زمان خاص ندارد، مگر آن که دلیل قاطعی بر این عدول وجود داشته باشد. استدلالی که برای اثبات این عدول از یک طرف و در برگیری مفهوم اختراعی شرعی در مورد رویان از طرف دیگر می‌توان ذکر نمود، مبتنی بر دو مقدمه زیر است:

مقدمه اول: دو قرینه (و یا دو دلیل) وجود دارد که عدول از مفهوم عرفی (وقوع اختراع شرعی) را ثابت می نماید: یکی، تعیین دیه به وسیله شارع برای فروض مختلف نابودسازی جنین قبل از ولوج روح و دیگری، اطلاق قتل در صحیحه ابی عبیده بر جنین غیر ذی روح.

مقدمه دوم: بعد از پذیرش وقوع عدول، این مطلب به دست می آید که منع از نابودسازی نطفه منعقد شده در معتبره اسحاق، از باب تطبیق مفهوم شرعی قتل بر این مورد بوده است.

نتیجه: حرمت از بین بردن رویان (که وضعی همسان و همانند با نطفه منعقد غیر مستقر دارد) از باب مصداق بودن برای قتل با مفهوم شرعی آن ثابت می گردد.

این استدلال با توضیحات ذیل، قابل رد است:

اما در مورد مقدمه اول؛ هر دو قرینه و یا دو دلیل مطرح در آن را می توان این چنین رد نمود: درباره تعیین دیه باید گفت: با توجه به این که تعیین دیه تلازمی با حصول قتل ندارد، چگونه می تواند دلیل بر عدول شارع از مفهوم عرفی قتل و اختراع مفهومی جدید برای آن باشد؛ به ویژه آن که دیه تعیین شده برای مرحله جنین غیر ذی روح، دیه انسان کامل نیست. این کمتر بودن دیه جنین قبل از ولوج روح خود قرینه ای است بر عدم اعتبار قتل برای از بین بردن جنین جنینی.

درباره اطلاق قتل بر نابودسازی جنین غیر ذی روح در صحیحه ابی عبیده باید گفت: چنانچه با دو احتمال یا بیشتر مواجه باشیم که برخی از این احتمالات، با اصل عدم عدول سازگار باشد و برخی سازگار نباشد، نمی توان با تمسک به احتمالی که با اصل ناسازگار است، اصل را کنار نهاد و آن را دلیلی بر اثبات عدول گرفت. روایت یاد شده از این سنخ است.

در مورد اطلاق قتل در این روایت بر نابودسازی جنین غیر ذی روح سه احتمال هست: یکی وجود مفهوم اختراعی شرعی و دیگری اطلاق قتل از باب اطلاق عرفی و سومی اطلاق از باب توسعه در موضوع قتل. پیداست که احتمال دوم و سوم با اصل سازگارند. بر این اساس، دیگر نمی توان با یک احتمال، عدول را ثابت نمود.

مقدمه دوم نیز قابل رد است؛ به این صورت که اگر حتی فرض را بر ثبوت عدول از مفهوم شرعی نهادیم، نمی توان دایره این مفهوم شرعی را به فراتر از جنین غیر ذی روح (یعنی نسبت به نطفه منعقد) گسترش داد، به این بهانه که شارع از نابودسازی آن (یعنی نطفه منعقد) منع کرده است. شاید این منع از باب حیثیتی غیر از قتل بوده است. با وجود چنین احتمالی، چگونه می توان دایره مفهوم اختراعی را - که اصل اثبات آن به مئونه بیشتری نیازمند است - چنین بی محابا گسترش داد؟!

دو قرینه و یا دو دلیل را می توان بر این مدعا ارائه نمود که در ادامه توضیح خواهیم داد.

چهارم: بررسی حرمت شبیه سازی درمانی از باب منع از نابودسازی

اگر تحریم نابودسازی رویان از باب قتل (خواه در چارچوب مفهوم عرفی آن، خواه در چارچوب توسعه در موضوع قتل به وسیله شارع و خواه بر پایه اختراع مفهومی شرعی برای آن) را نپذیریم، باید دید آیا به رغم عدم صدق قتل بر آن، منعی متوجه آن شده است یا نه؟ بدیهی است که در خصوص (نابودسازی رویان مطرح در شبیه سازی درمانی) منعی در نصی شرعی وارد نشده است؛ چه آن که این، موضوعی مستحدث است؛ ولی با توجه به همانندی این رویان با نطفه ملقحه در رحم - که از نابودسازی آن در معتبره اسحاق منع شده است - باید دید کدام یک از سه فرض زیر درست است:

فرض یکم: این دو (رویان در آزمایشگاه و نطفه ملقحه در رحم) در واقع یک موضوع اند. در این صورت، ورود منع از نابودسازی نطفه ملقحه - که در روایت اسحاق از امام کاظم(ع) به چشم می خورد - منع از نابودسازی این رویان نیز به حساب می آید.

فرض دوم: این دو، دو موضوع دارای اختلاف نسبت به هم اند؛ ولی مناط واحدی - که روایت منع خود از نابودسازی نطفه ملقحه را با توجه به آن مناط انجام داده است - در هر دو موجود است. در این صورت، منع در روایت، نابودسازی رویان مطرح در شبیه سازی درمانی را نیز در بر می گیرد.

فرض سوم: دو موضوع اگرچه همانند می باشند، ولی اختلاف دارند و در روایت نیز بر مناط واحدی - که نهفته در هر دو باشد - تمرکز نشده است.

بررسی سه فرض

فرض اول قطعاً نادرست است؛ زیرا تفاوت های چندی میان این دو مشاهده می شود: اولاً، نطفه مورد بحث در رحم است، و رویان مورد بحث در آزمایشگاه قرار دارد. ثانیاً، باروری تخمک در یکی (نطفه ملقحه) با سلول جنسی بوده و در دیگری (البته رویان در نوع شبیه سازی و نه رویان حاصل از تلقیح نطفه زن و مرد) با سلول جسمی انجام گرفته است.

فرض دوم را شاید بتوان با تمسک به روایتی ثابت کرد. این روایت، معتبره اسحاق است که قبلاً گذشت. در این روایت امام از بین بردن نطفه را تجویز نمی کند.

دو راه وجود دارد که با تمسک به این حدیث بتوان برای حدیث دلالتی بر تحریم از بین بردن رویان مورد بحث به دست آورد:

راه اول: اثبات عنصر (صلاحیت داشتن برای انسان شدن) به عنوان مناط مورد نظر امام در حکم به عدم جواز نابودسازی نطفه.

اگر ثابت شود که این عنصر، مناط برای عدم تجویز اسقاط نطفه در روایت بوده است، از بین بردن رویان نیز غیر مجاز می شود؛ زیرا آن نیز این مناط را دارد؛ ولی مشکل این است که مناط بودن این عنصر برای حکم یاد شده، اثبات ناپذیر است؛ زیرا از مورد روایت نمی توان الغای خصوصیات کرد. الغای خصوصیت هنگامی است که احراز عدم دخالت خصوصیت شود؛ در حالی که در مورد روایت، دو خصوصیت وجود دارد - که الغای هر یک غیر موجه است - که یکی خصوصیت بودن در رحم است.

راه دوم: اثبات عنصر (شروع شدن حرکت در آن به سمت تبدیل شدن به انسان) به عنوان مناط مورد نظر امام.

این راه نیز مورد پذیرش نیست؛ زیرا در نطفه ملقحه خصوصیتی وجود دارد که نمی توان آن را الغا نمود و آن خصوصیت (در رحم بودن) است. این عدم الغا از این جهت است که اگر نطفه قرار گرفته در رحم را به حال خود رها کنیم و آن را از بین نبریم، به جنین و سپس به انسان بدل خواهد شد؛ در حالی که رویان را اگر به حال خود رها کنیم، خود به خود از بین می رود. جنین برای قرار گرفتن در مسیر منتهی شدن به انسان، به قرار گرفتن در رحم نیازمند است. با توجه به این خصوصیت، ممکن است مناط مورد نظر امام (قرار گرفتن در مسیر طی طبیعی مراحل صیوروت (و نه طی آنها با دستکاری)) باشد. وانگهی تفاوت دیگری وجود دارد و آن این که رویان در صورت طی مراحل - که طبعاً با دستکاری و نهادن آن در رحم انجام می پذیرد - به تولد انسانی شبیه سازی شده می انجامد و اگر به حرمت شبیه سازی شده قائل باشیم، طبعاً منعی دیگر متوجه به از بین بردن رویان نیست. البته این عدم توجه منع، مربوط به هنگامی است که آن را از قتل به حساب نیاوریم - که مفروض ما در این محور چهارم است - و گرنه منع به آن متوجه است. به این معنا که اولاً، از اول نباید این رویان را ایجاد نمود تا به نابودی آن بینجامد و ثانیاً، اگر ایجاد شده، آن را از بین نبریم؛ بلکه رها کنیم تا خود از بین برود؛ چون از بین بردن آن قتل است و به هر حال، نهادن آن در رحم نیز حرام است؛ چون به انسان شبیه سازی شده می انجامد. البته این در صورتی است که به حرمت شبیه سازی انسانی قائل باشیم.